

اثر تغییرات نرخ ارز از ناحیه تک نرخي شدن بر متغیرهای اقتصادی

دکتر عباس شاکری
(عضو هیأت علمی و رئیس دانشکده اقتصاد
دانشگاه علامه طباطبائی)

چکیده

در پی شناسایی آثار اجرای سیاست یکسان سازی ارزش ریال بر متغیرهایی که در قانون بودجه سال ۱۳۸۱ مدنظر بوده است، تحقیق دیگری تحت عنوان «اثر تغییرات نرخ ارز از ناحیه تک نرخي شدن بر متغیرهای اقتصادی» صورت گرفت.

در این مقاله، نشان داده شده است که تک نرخي شدن به مثابه رفتن به سمت رژیم های متعارف ارزی نیست نرخ های ارز موجود در اقتصاد ایران بلکه با نرخ های تعادلی متعارف، برابر نیستند. بنابراین، تک نرخي کردن ارز یک مقوله است و ایجاد رژیم ارزی، مقوله ای دیگر. در این مقاله، همچنین به آثار تک نرخي شدن بر رشد نقدینگی پرداخته شده و نشان داده شده است که نشر پایه پولی و نقدینگی بسته به اقدامات مختلف دولت و بانک مرکزی متفاوت خواهد بود. به طوری که اگر دولت از بابت مابه التفاوت نرخ ارز رسمی قبلی و نرخ جدید در مورد بازپرداخت های وام های خارجی به بانک مرکزی ارز بدهد و بانک مرکزی بتواند ارزهایی را که دولت خریداری می کند بفروشد، نشر پایه پولی و نقدینگی محدودتر خواهد شد. اما اگر ارز لازم را در اختیار بانک مرکزی قرار ندهند، و یا بانک توانایی فروش ارزهای خریداری شده خود را نداشته باشد باید منتظر عوارض رشد نقدینگی و تورم بود. در قسمت آخر این مقاله اثر تغییرات نرخ ارز بر متغیرهای نقدینگی، تورم، سرمایه گذاری و صادرات غیر نفتی (در چارچوب الگوی کمی) مورد بررسی قرار گرفته و براساس نتایج، تحلیل های لازم صورت گرفته است.

مقدمه

ابتدا به مفهوم تک نرخي شدن در شرایط کنونی اقتصاد ایران و مقایسه آن با رژیم های متفاوت ارزی، اشاره می کنیم، سپس هزینه های احتمالی و نیاز این اقدام را مورد بحث و

بررسی قرار می‌دهیم و بعد از آن به تأثیر تغییرات و تحولات نرخ ارز بر متغیرهای اساسی کلان اقتصادی می‌پردازیم.

تک نرخ‌ی شدن و رژیم‌های ارزی

از تک نرخ‌ی شدن ارز، دو مفهوم به ذهن متبادر می‌شود. یکی، ایجاد نظام ارزی متعادل و با ثبات که در آن با استفاده از سازوکارهای بازار در چارچوب نرخ ارز ثابت یا شناور یا شناور مدیریت شده، نرخ تعادلی تعیین و مشخص می‌شود.

مفهوم دیگر تک نرخ‌ی شدن این است که به هر دلیل چه به منظور تأمین نیازهای بودجه‌ای و چه به منظور اجتناب از بعضی مفسده‌ها، نظام چند نرخ‌ی به نظام تک نرخ‌ی تبدیل شود و در همین چارچوب غیر رقابتی و غیر بازاری موجود به صورت دستوری و برون‌زا نرخ معینی برای ارز تعیین شود. اگر متصدیان امور پولی و بودجه‌ای کشور مفهوم اول تک نرخ‌ی شدن را تمقید می‌کنند آیا شرایط عرضه و تقاضای ارز، وضعیت بازار نفت، کشش بسیار پایین عرضه صادرات غیر نفتی و تقاضای کشور برای واردات به ما این امکان را می‌دهد که به عوامل اقتصادی و مردم اجازه دهیم به طور آزادانه عرضه و تقاضای ارز را انجام دهند و در بازار ارز نرخ‌ی تعیین شود که اولاً با ثبات بوده و ثانیاً بتواند صادرات غیر نفتی، تولید، سرمایه‌گذاری و اشتغال را به طور مثبت تحت تأثیر قرار دهد.

نکته قابل ذکر این است که اگر می‌خواهیم بازار ارز داشته باشیم و ساز و کارهای رقابتی نرخ تعادلی آن را تعیین کنند باید زمینه فعالیت آزادانه عوامل ذره‌ای طرف عرضه و تقاضای ارز را نیز فراهم کنیم، زیرا در چارچوب محدود فعالیت‌های صادرات و واردات مجاز فعلی، نیروهای بازار شکل نمی‌گیرد. برای شکل‌گیری باید بسترهای شکل‌گیری نیروهای بازار را فراهم کرد. مسأله دیگر، تعیین نرخ ارز تعادلی مناسب است. در واقع اگر بتوانیم بازار رقابتی و با ثبات ارز ایجاد کنیم، آن نرخ خودبخود تعیین می‌شود. اما در چارچوب سازوکارهای موجود، هر نرخ‌ی که تعیین شود مصنوعی و دستوری خواهد بود. اگر منظور متصدیان امور پولی از تک نرخ‌ی کردن، تعیین دستوری یک نرخ واحد باشد، باید به چند نکته توجه کرد.

هزینه‌ها و فواید

سه سؤال در این جا مطرح می‌شود که باید به نوعی به آن‌ها پاسخ گفته شود.

۱. هزینه‌های این کار چقدر است و چه تأثیراتی بر متغیرهای اقتصادی - اجتماعی دارد؟
 ۲. چه فوایدی بر این اقدام مترتب می‌شود؟
 ۳. معیارها و ملاک‌های تعیین نرخ واحد ارز در چارچوب وضعیت موجود چیست؟
- بعضاً ادعا می‌شود که نرخ‌های پیشنهادی باید حول و حوش نرخ واریزنامه‌ای باشد زیرا

این نرخ، توسط ساز و کارهای بازار تعیین می شود. بنابراین، نرخ‌هایی که در بازار واریزنامه‌ای یا حتی در بازار محاذی (مقابل) تعیین می شود بازتاب واقعی رقابت پذیری نسبی اقتصاد کشور است در این بررسی نشان خواهیم داد که نرخ‌های ارز تجربه شده طی سال‌های اخیر (و در اقتصاد ایران) چه در چارچوب واریزنامه و چه در چارچوب بازار محاذی با هیچ کدام از ملاک‌های تعیین نرخ ارز مطابق و منطبق نیست.

نرخ ارز مبتنی بر نظریه برابری قدرت خرید (PPP)^۱ را برای ایران محاسبه کرده ایم و نشان داده ایم که نرخ‌های تجربه شده، وضعیتی کاملاً متفاوت با روند نرخ‌های مذکور داشته است و به طور مستدل نشان داده ایم که به طور کلی تمام فرض‌های مبنایی نظریه برابری قدرت خرید (نبود هرگونه اختلال در اقتصاد ملی و بخش خارجی اقتصاد، وجود اشتغال کامل، جریان علیت از تورم به سمت نرخ ارز و ...) در اقتصاد ایران قابل نقض و تردید است. در مورد شباهت تجربه ارزی سال‌های اخیر با نظام نرخ ارز ثابت، شناور، میخکوب خزننده، شناور مدیریت شد و غیره هم جای تردید است. زیرا همه این نظام‌های ارزی بر ساز و کارهای رقابتی و عملکرد نیروهای بازار آزاد مبتنی است، در حالی که در اقتصاد ما، واردات بسیاری از کالاها مجاز نیست. خرید و فروش دلخواه ارز بدون محدودیت نیست، در طرف عرضه ارز عمده ارز توسط دولت تحصیل و فروخته می شود و مجاری ارزآوری کشور محدود است و به وضوح مشخص است که آن چه تحت عنوان بازار آزاد یا بازار واریز نامه‌ای ارز در کشور مطرح است با نظام شناور یا ثابت مطابق نیست.

در مورد تعیین نرخ ارز باید مقتضیات تولید، اشتغال، سرمایه‌گذاری در بخش‌های مولد و ثبات تورمی در اقتصاد را مطمئن نظر قرار داد. یعنی اگر بتوانیم یک رژیم ارزی با ثبات ایجاد کنیم (که در آن نرخ ارز به طور واحد، درون‌زا و تعادلی تعیین شود) بسیار خوب است، اما اگر این کار امکان پذیر نباشد، برای تعیین نرخ ارز در چارچوب وضع موجود باید به مقتضیات تولید، مشکلات صادرکنندگان، سرمایه‌گذاران، بخش‌های صنعت و کشاورزی توجه کرد.

اگر با در نظر گرفتن ساختار و استعدادهای موجود در اقتصاد به این نتیجه برسیم که برای داشتن بازار ارز متعادل و با ثبات، نیاز به اصلاح ساختار و بستر سازهای مناسب در بخش حقیقی داریم باید یک دوره گذار برای خودمان تعریف کنیم و طوری برنامه ریزی کنیم که با طی این دوره، دستیابی به ساز و کارهای بازار امکان پذیر شود. در طول این دوره گذار، با ترسیم هرم صنعتی و تولیدی اقتصاد کشور از درآمدهای ارزی - که عمدتاً از محل فروش نفت حاصل می شود - در جهت بهبود بخش حقیقی و تولید و سرمایه‌گذاری استفاده کنیم.

1. Purchasing Power Parity
2. Distortion

در مورد هزینه‌های مورد انتظار تک نرخی کردن اولاً باید تأثیر آنی و کوتاه مدت این اقدام بر متغیرهایی چون نقدینگی و تورم و بی ثباتی‌های احتمالی اقتصادی ناشی از این اقدام توجه کرد و سپس اثرات بلندمدت تغییرات نرخ ارز بر متغیرهای اقتصادی را مورد مطالعه قرار داد.

ابتدا منشأهای احتمالی افزایش پایه پولی را مورد بحث و بررسی قرار می‌دهیم و سپس، به اثرات احتمالی این اقدام بر انتظارات تورمی اشاره می‌شود و بعد از آن به طور کمی اثرات تغییرات نرخ ارز بر متغیرهای تورم، نقدینگی، صادرات غیر نفتی، سرمایه‌گذاری را مورد بررسی قرار می‌گیرد.

اثرات مربوط به نقدینگی

اولاً در سال ۱۳۸۱ حدود ۵ میلیارد دلار بازپرداخت بدهی خارج داریم که بانک مرکزی کشورمان طی سال‌های گذشته با دلار ۱۷۵۰ ریال، تعهدات آن را ظهر نویسی کرده است. در صورت تک نرخی شدن ارز، مظنه نشر پایه پولی به میزان $[297500 = 5x(7700 - 1750)]$ میلیارد ریال وجود دارد. بانک مرکزی برای مقابله با نشر این مقدار پایه پولی، از دولت تقاضای حدود ۴ میلیارد دلار ارز کرده است تا از فروش آن، این مابه‌التفاوت را جبران کند و در ازای آن، بدهی‌های دولت به خود را کاهش دهد.

حال، آیا دولت تمام ارز مورد نیاز برای مسدود کردن این مجرای نشر پایه پولی را در اختیار بانک مرکزی قرار می‌دهد؟ آیا بانک مرکزی - که طی سال گذشته نتوانست بودجه ارزی ۱۲ میلیارد دلاری دولت را از طریق فروش به عوامل اقتصادی به ریال تبدیل کند - در سال ۱۳۸۱ می‌تواند آن‌ها را به عوامل اقتصادی مولد بفروشد یا مجبور خواهد بود بخشی را خود خریداری کند بخشی را به متقاضیان نامولد بفروشد و بخشی را هم به عوامل اقتصادی مولد بدهد؟ یعنی، اگر بخشی را خود خریداری کند، یا بخشی را به کسانی بفروشد که صرف کالاهای غیر ضروری کنند آن وقت، چه کسی پاسخگوی اثرات تورمی مورد اول و عواقب غیر توسعه‌ای اقدام دوم خواهد بود؟ یکی از اقدامات برجسته دولت در سال‌های گذشته، تشکیل «صندوق ذخیره ارزی» بود اما آیا صحیح است که برای خرید ۵ میلیارد دلار کالا حدود ۹ میلیارد دلار پرداخت شود؟! از این گذشته، برای پرداخت بدهی‌ها به شکل فاینایس مربوط به سال‌های گذشته (تا پایان ۱۳۷۹) که بر اساس دلار ۱۷۵۰ ریال تعهد شده است، کار خواهیم کرد؟

بنابراین، یکی از موارد نگرانی، نشر حدود ۳۰۰۰۰ میلیارد ریال پایه پولی است که با ضریب

۱. در یک مرحله ۵ میلیارد دلار کالا از خارج وارد کرده‌ایم و در مواقع بازپرداخت، به خاطر تغییر نرخ ارز رسمی از ۱۷۵۰ به ۷۷۰۰ ریال برای جلوگیری از نشر پایه پولی از ناحیه مابه‌التفاوت نرخ ارز در مورد بازپرداخت بدهی‌ها، دولت باید ۴ میلیارد دلار به بانک مرکزی ارز بدهد که جمعاً به ۹ میلیارد دلار بالغ می‌شود.

فزاینده نقدینگی حدود ۳/۸، به حدود ۱۱۴۰۰۰ میلیارد ریال نشر نقدینگی منجر می‌شود. به هر میزان بانک مرکزی که بتواند جلو نشر پایه پولی بگیرد نقدینگی کم‌تری نشر می‌کند و تورم کم‌تری بوجود خواهد آمد. یعنی اگر دولت حدود ۴ میلیارد دلار ارز مجانی به بانک بدهد و آن بانک هم همه را به مردم بفروشد به طور کلی موضوع نشر پایه پولی از این مجرا منتفی می‌شود. یکی دیگر از مجاری احتمالی نشر پایه پولی، تجدید ارزیابی ۶/۲۹ میلیارد دلاری دارایی بانک مرکزی از دلاری ۱۷۵۰ ریال به ۷۷۰۰ ریال است. البته این مسأله توسط مقامات بانک مرکزی طی دو طرح مورد توجه قرار گرفته است در یک طرح، مقرر شده که با تجدید ارزیابی بدهی دولت به بانک مرکزی، تفاوت ارزش ناشی از تجدید ارزیابی فوق‌الذکر با بدهی‌های دولت به بانک مرکزی جبران شود (روش قانونی کارم همین است) که در این صورت، مشکلی پیش نمی‌آید اما باید دید برای نیازهای نقدینگی - که از اقدام تک‌نرخ شدن منبعت می‌شود - چه باید کرد؟

در طرح دوم، جبران این افزایش ارزش توسط تعدیل بدهی‌های دولت در ترازنامه بانک مرکزی پیش‌بینی نشده و روش قانونی کار هم، همین است. بنابراین، اگر این جبران صورت نگیرد، حدود $(۳۷۴۲۵ = ۵۹۹۰ \times ۶/۲۹)$ میلیارد ریال پایه پولی افزایش می‌یابد که با فرض ضریب فزاینده نقدینگی ۳/۸ موجب افزایش نقدینگی، حدوداً به میزان (یکصد و چهل و دو هزار و دویست و ده) ۱۴۲۲۱۰ میلیارد ریال خواهد شد. برای این مجرای احتمالی نشر نقدینگی هم باید احتیاط لازم مبذول شود.

دارو و درمان

از طرف دیگر، حدود ۵۰۰ میلیون دلار ارز ارزان قیمت در اختیار وزارت بهداشت و درمان قرار می‌گرفته که دولت به عنوان جبران ریالی برای گران نشدن دارو، منظور کرده است. اما باید توجه داشت که شرکت‌های تولیدی دارو، شرکت‌های دارو پخش و داروخانه‌ها از سود و حق‌عملی به ترتیب معادل ۱۲ درصد، ۱۵ درصد و ۲۰ درصد برخوردارند و اگر دولت بخواهد کل مابه‌التفاوت ریالی مربوط به این مقدار ارز را دوباره به این بخش دهد - تا افزایش‌های قیمت را جبران کند - برای تأمین حق‌عمل و سودهای بخش‌های تولید، پخش و داروخانه حدود صد میلیارد تومان هزینه اضافی بپردازد.

از طرفی، گفته شده که قرار است مابه‌التفاوت‌ها را به شرکت‌های بیمه بپردازند. اولاً بیش از نیمی از مردم تحت پوشش بیمه نیستند و مشخص نیست که چه تمهیدی برای آن‌ها اندیشیده شده است؟ بیمه شده‌ها هم که فرانشیز ۳۰ درصدی پرداخت می‌کنند باید قیمت

بالایی برای نسخه‌های خود پردازند. اگر دلار رسماً گران شود و مثلاً قیمت بعضی اقلام دارویی مهم دو سه برابر شود - ولو این که دولت تمهیدهای جبرانی هم بیاندیشد - همین مسأله برای گسترش انتظارات تورمی و افزایش تورم کافی است. یعنی اگر دولت برای این کار احتیاط‌های لازم را بنماید و جبران کافی هم صورت دهد اما کالاهای حساس مثل دارو گران شود پویایی‌های تورم شدید می‌شود. که البته هم یک اقدام امکان‌پذیر است و آن این که دولت تنها در دفاتر بانک مرکزی، سیاست تک‌نرخ را اجرا کند و تک‌نرخ شدن در این گونه موارد به صرف تغییرات حسابداری اختصار می‌یابد. البته در آن صورت باید دید آیا می‌توان به بعضی از اهداف تک‌نرخ شدن مثل مبارزه با فساد و رانت‌خواری دست یافت؟

کشاورزی

باید دید برای بخش کشاورزی - با برخورداری از حدود نیم میلیارد دلار ارز ارزان - چه فکری شده است؟ اگر ارز نهاده‌ها و سرمایه‌های کشاورزی از ۱۷۵۰ ریال به ۷۷۰۰ ریال افزایش یابد، در مورد تولید و هزینه‌ها و قیمت‌های کشاورزی چه اتفاقی خواهد افتاد؟

کالاهای اساسی

همچنین، وعده داده شده که بابت ارز کالاهای اساسی هم جبران ریالی صورت خواهد گرفت، ولی اگر دولت نتوان در سال‌های بعد به این اقدام جبرانی ادامه دهد، در آن صورت باید به عواقب اقتصادی، سیاسی و اجتماعی این قضیه توجه شود. اکنون در نظر بگیرید که اگر کلیه این احتیاط‌ها و جبران‌ها صورت نگیرد و مقدار قابل ملاحظه‌ای از نقدینگی نشر یابد و قیمت بعضی کالاهای اساسی و نهاده‌های کشاورزی هم به سمت بالا پخش کند در این صورت برای نرخ جدید ارز چه اتفاقی خواهد افتاد؟ اگر با تورم قابل ملاحظه‌ای روبرو شویم و قیمت‌ها و درآمدهای نفتی هم دچار محدودیت شوند مسلماً در آینده نزدیک نرخ یکسان شده جدید به نرخ رسمی تبدیل می‌شود و یک نرخ بازار آزاد در کنار خود ایجاد می‌کند که دوباره باید برای یکسان کردن آن و پر کردن این شکاف هزینه‌ها پرداخت کرد.

در مورد نوسازی صنعتی و سرمایه‌گذاری‌های جدید هم باید توجه کرد که ذخایر استهلاک بر اساس قیمت‌های پایین ارز صورت گرفته است و با گران شدن ارز رسمی مشکل وجوه سرمایه‌گذاری‌های جایگزین و جدید و نوسازی صنعتی، قابل اجتناب نخواهد بود. در اینجا ذکر یک نکته ضروری است. در حوزه خریدهای خارجی مربوطه کالاهای اساسی تک‌نرخ کردن به شفافیت بیشتر و کاهش فساد و رانت در دستگاه‌های خرید کننده این کالاها، منجر می‌شود و با وجودی که زمینه‌های فساد را به طور کامل نمی‌خشکاند اما

از طریق شفافیت بیشتر آن را محدود می کند.

اثر تغییرات نرخ ارز بر تورم

در مورد اثر تغییرات نرخ ارز رسمی و نرخ ارز موزون بر تورم چند بحث مطرح است. اولاً یکسری اثرات تورمی ناشی از تک نرخی کردن وجود دارد که مربوط به تغییرات در ترازنامه بانک مرکزی و تغییرات پایه پولی و نقدینگی در سال ۱۳۸۱ است که در چارچوب مدل رگرسیونی تورم که روند تغییرات تورم را توضیح می دهد نمی گنجد. بسته به این که این معجاری نشر نقدینگی و تحریک انتظارات تا چه حد مسدود شود یا نشود تورم را تحت تأثیر قرار می دهد. لذا این تأثیرات تورمی را باید جداگانه دید و نمی توان در مورد مقدار و اندازه آن به طور قطع صحبت کرد و مدل ارایه کرد. زیرا نمی دانیم که بانک مرکزی و دولت تا چه حد در مسدود کردن معجاری فوق موفق خواهند بود.

تا این جا، اثرات تک نرخی شدن همراه با اقدامات احتیاطی و جبرانی متعدد بر نقدینگی را بحث کردیم. بحث دیگر مربوط به اثر تغییرات نرخ ارز رسمی و موزون بر تورم است که در چارچوب مدل کلان^۱ اقتصادی بررسی و برآورد می شود.

در ذیل، این اثرات را در چارچوب یک مدل کلان مورد بررسی قرار داده و برآورده کرده ایم. اما باید توجه داشت که این برآورد مربوط است به تأثیر تغییرات نرخ ارز بر تورم که با هیچگونه اقدام جبرانی همراه نیست. لذا، نتایج این مدل ها، مظنه ای از تأثیر تغییرات نرخ های رسمی و موزون بر تورم را به ما می دهد که مسلماً مقداری از آن توسط پرداخت های ریالی دولت در مورد دارو، کالاهای اساسی و غیره جبران می شود. بنابراین، برای قضاوت نهایی باید همه این عوامل را در نظر گرفت. اما قطع نظر از این اختلاط و تداخل عوامل، نتایج تأثیرات تغییر نرخ ارز بر تورم، نقدینگی، سرمایه گذاری، صادرات غیر نفتی چشم انداز روشنی از موضوع به ما ارائه می دهد.

با استفاده از آمارهای سری زمانی، معادله تورم استخراج شده از مدل کلان را به روش ARDL و با استفاده از بسته نرم افزاری میکروفیت^۲ برآورد کرده ایم که نتایج آن در جدول ذیل ذکر شده است.

قابل ذکر است که این مدل کلان اقتصادی، بعضی از متغیرهای حقیقی و ساختاری را هم منظور کرده است:

۱. جزئیات ارایه مدل کلان اقتصادی در بررسی تفصیلی آورده خواهد شد.

جدول ۱- برآورد ضرایب بلند مدت تابع تورم با استفاده از روش ARDL و

ملاک شوارتز بین

متغیرها	ضرایب	انحراف معیار	آماره t
رشد نقدینگی	۰/۵۵۹۷	۰/۰۷۲۹	۷/۶۷۷۱
رشد بهره‌وری ^۱	-۰/۴۲۵۸	۰/۲۲۰۸	-۱/۹۲۸
رشد GNP	-۰/۲۸۶	۰/۰۹۶۱	-۲/۹۷۱
رشد تفاضل شاخص قیمت خوراکی ها و CPI	۰/۰۰۷۴	۰/۰۰۲۴	۳/۰۶۱
رشد شاخص قیمت حامل‌های نفتی	۰/۱۴۴	۰/۰۶۸	۲/۱۵
رشد قیمت ارز در بازار آزاد (R _t BE)	-۰/۲۵۱۰	۰/۰۸۳۷	-۳/۹۹۹
D _t	۰/۰۸۳	۰/۰۲۲۱	۳/۷۴۵۰

نرخ ارز در بازار آزاد را به دو طریق وارد تورم کردیم. ابتدا خود رشد نرخ ارز در بازار آزاد را وارد کنیم و سپس متغیر مجازی مربوط به سال‌های تعدیل (سال‌های ۱۳۸۶ به بعد) را هم در شیب این متغیر تعبیه کردیم و متغیر R_tBE را به دست آوردیم. متغیر رشد نرخ ارز در سال‌های عادی، اثر منفی داری بر تورم نداشت اما متغیر R_tBE کاملاً معنی‌دار بود و همانطور که در جدول ملاحظه می‌شود هر یک درصد رشد نرخ ارز در بازار آزاد در سال‌های مربوط به تعدیل ساختاری، موجب ۰/۲۵ درصد افزایش در نرخ تورم شده است. اما در مسأله تک‌نرخی شدن (حداقل در شرایط موجود) برای سال ۱۳۸۱ نرخ ارز در بازار آزاد چندان تغییر نخواهد کرد (مگر این که بازار نفت دستخوش تحولات خاصی شود) و نتایج برآورد ما در عین حال که نحوه تأثیر گذاری عوامل توضیح دهنده تورم بر این متغیر را بیان می‌کند، نمی‌تواند برای بیان اثرات تک‌نرخی شدن در آینده توضیح خاصی بدهد. مگر به اعتبار تأثیرات احتمالی که این اقدام بر وضعیت بازار ارز در آینده خواهد گذاشت و مگر اینکه بسته به عوامل خاص، نرخ ارز در بازار موازی تغییر یافته و تحت تأثیر قرار گیرد. از آن جا که تک‌نرخی شدن به نوعی در تغییر نرخ موزون ارز و نرخ رسمی آن انعکاس می‌یابد بعد از آزمون پایایی متغیرهای مورد نظر معادله تورم استخراج شده از مدل فوق‌الذکر را بر اساس نرخ‌های موزون و رسمی ارز به روش OLS برآورد کرده‌ایم که نتایج آن در جدول

۱. بهره‌وری در این جاز تقسیم تولید ناخالص ملی بدون نفت بر شاخصین بخش غیر نفت بدست آمده شده است.

جدول ۲- برآورد مدل تورم با استفاده از نرخ ارز رسمی و به روش OLS

متغیرها	ضرایب	آماره t	معیارهای خوبی برازش
رشد نقدینگی	۰/۳۶	۲/۶۳	$R^2 = ۰/۸۱۳$
رشد بهره‌وری	-۰/۵۴۴	-۲/۴۲	
رشد GNP	-۰/۲۸۵	-۲/۶۴	
رشد تفاضل شاخص قیمت خوراکی‌ها و CPI	۰/۴۰۴E-۴	۲/۲۵	$\bar{R}^2 = ۰/۷۳۳$
رشد شاخص قیمت حامل‌های نقلی	۰/۱۱	۱/۹۹	$DW = ۱/۹۸$
رشد نرخ ارز رسمی	۰/۰۸۵	۱/۹۸	
عرض از مبدأ	-۰/۹۳	۲/۵۶	
رشد بهره‌وری با یک وقفه	+۰/۱۶۸	۱/۱۰۵	
رشد بهره‌وری با دو وقفه	-۰/۵۵۵	-۲/۷۲	

شماره ۲ و ۳ آورده شده است.

همانطور که از ضرایب برآورد شده مدل با استفاده از نرخ ارز رسمی که در جدول شماره ۲ انعکاس یافته است هر یک درصد تغییر در نرخ ارز رسمی موجب ۰/۰۸۵ درصد افزایش در نرخ تورم می‌شود. اما در مسأله تک نرخ شدن، تنها بخشی از درآمدهای ارزی ما به نرخ ۱۷۵۰ ریال بوده است و تنها همین بخش مشمول افزایش قیمت می‌شود و متناسب با وزنی که در کل درآمد ارزی دارد متوسط نرخ ارز را تغییر می‌دهد.

از طرفی، اقدامات جبرانی تا حد قابل ملاحظه‌ای تأثیر بر تورم را مبهم می‌سازد. ولی به هر حال، یکی از بهترین تقریب‌ها برای تأثیر تورمی این اقدامات، برآورد این ضرایب است. در جدول شماره ۳ نتایج مدل تورم با استفاده از نرخ موزون ارز ارایه شده است.

بر اساس ضرایب برآورد شده، هر یک درصد تغییر در نرخ ارز موزون موجب حدود ۰/۲ درصد افزایش در نرخ تورم می‌شود. در شرایط کنونی - که دو نوع نرخ در اقتصاد کشور رایج است - تغییرات نرخ ارز موزون بر اساس وزن‌های سال ۱۳۷۹ توسط فرمول زیر اساس می‌شود:

$$RER \cong \left(\frac{12/864 - 5/5}{12/864864} \right) \times 0 + \frac{5/5}{12/864} \left(\frac{770 - 175}{175} \right) = \%137/5$$

در این جا باید توجه داشت که اقدامات جبرانی دولت از طریق پرداخت مابه‌التفاوت کالاهای اساسی، داروها و ... مقداری از اثرات این کار را خنثی خواهد کرد ولی به نظر می‌رسد که کلیه اثرات آن قابل رفع نباشد.

بنابراین، نتیجه کلی برآورد ما بیانگر این است که نرخ ارز موزون حدود ۱۳۷/۵ درصد

جدول ۳- برآورد مدل تورم با استفاده از نرخ ارز موزون و به روش OLS

متغیرها	ضرایب	آماره t	معیارهای خوبی برازش
رشد نقدینگی	۰/۳۵۳	۳/۳۶	$R^2 = ۰/۸۸۸$
رشد بهره‌وری	-۰/۶۰۳	-۰/۳۱۶	
رشد بهره‌وری با یک وقفه	۰/۲۵۸	۱/۷۳	$\bar{R}^2 = ۰/۷۵۰۷$
رشد بهره‌وری با دو وقفه	-۰/۵۵	-۳/۶۹	
رشد GNP	-۰/۳۷۲	-۳/۸۲	$DW = ۲/۰۲$
رشد تفاضل شاخص قیمت خوراکی‌ها و CPI	۰/۳۱۶E-۲	۲/۳۸	
نرخ ارز موزون	۰/۱۹۳	۷/۳۹	
رشد شاخص قیمت حامل‌های نفتی	۰/۰۶	۱/۰۹۵	
عرض از مبدأ	۰/۰۶۵	۱/۷۶	

رشد می‌یابد و ضریب تأثیرگذاری آن هم حدود ۰/۲ درصد است. اما کل اثر تورمی بسته به اقدامات جبرانی دولت، متخیر خواهد بود. همانطور که قبلاً هم متذکر شدیم بسته به احتیاط‌هایی که مقامات پولی و اقتصادی در خصوص انسداد مجاری نشر پایه پولی انجام می‌دهند و بسته به نحوه اعلام، نحوه اجرا و نحوه پرداخت مابه‌التفاوت‌ها و جبران‌ها اثرات تورمی حاصل از سیاست تک‌نرخی کردن کاملاً متفاوت خواهد بود. اگر به این عوامل تورم، به‌طور جدی نگاه نشود در یکی دو سال آینده دوباره باید به فکر تک‌نرخی کردن مجدد باشیم.

اثر تغییرات نرخ ارز بر رشد نقدینگی

همانطور که ملاحظه شد به اثرات نقدینگی تغییرات نرخ ارز باید به دو صورت نگاه کرد. یکی، اثرات مربوط به تجدید ارزیابی دارایی‌های خارجی بانک مرکزی و اثرات مربوط به تفاوت نرخ ۷۷۰۰ ریال و ۱۷۵۰ ریال مربوط به بازپرداخت بدهی‌های خارجی. در این مورد متذکر شدیم که بسته به میزان اقدامات دولت برای انسداد یا خنثی کردن مجاری نشر نقدینگی، حجم نقدینگی افزایش خواهد یافت. اثر دیگر مربوط است به تأثیر مدلی تغییرات نرخ ارز بر انفعال و تغییرات نقدینگی. اصولاً در اقتصادهایی که دارای ساز و کار رقابتی بوده و از ثبات و پایداری مستمر اقتصادی برخوردارند، عمدتاً جریان علیت از سمت نقدینگی به سمت تورم و سپس از تورم به سمت نرخ ارز است. ولی ما با اجرای

آزمون علیت برای سال‌های اخیر در اقتصاد ایران مشاهده کردیم که بین تورم و نقدینگی، جریان علی دو طرفه‌ای در جریان است. یعنی تورم، نقدینگی را تحت تأثیر قرار می‌دهد و تغییرات نرخ ارز هم تورم را دچار تغییر می‌کند. بنابراین، تأثیرپذیری نقدینگی از تغییرات نرخ ارز چندان بی‌وجه نیست. لذا با استفاده از نرم افزار میکروفیت ۴ و با اعمال روش VAR متغیرهای سالانه نقدینگی سال (AM_t)، نرخ ارز موزون (ER_t)، شاخص قیمت مصرف کننده ($ACPI$) و تولید ناخالص ملی (GNP) را به عنوان متغیرهای درون‌زا وارد مدل کردیم. متغیرهای برون‌زای ER_t (که همان متغیر ER ضربدر متغیر مجازی D_t است و مقدار D_t برای سال‌های ۶۸ به بعد برابر یک و برای سال‌های قبل از آن معادل صفر است.)، روند (T) و متغیر مجازی D_t (متغیر مربوط به سال‌های جنگ) را هم وارد مدل کردیم. سپس به روش رگرسیون خود توضیح برداری (VAR) برآورد کردیم. با انجام آزمون DF و ADF مشخص شد متغیرهای وارد شده در مدل پایا نیستند. با همین وضعیت، مدل را برآورد کردیم و سپس از برآورد، آزمون DF و ADF (دیکی فولر) را در مورد جزء خطای رگرسیون فوق انجام دادیم. نتیجه آزمون مشخص کرد که این جزء خطا پایاست و رابطه هم تجمعی میان متغیرها به صورت ترکیبی وجود دارد. یعنی ترکیب خطی این متغیرها پایاست. نتایج برآورد فوق در جدول شماره ۴ آورده شده است.

جدول ۲- برآورد معادله نقدینگی با استفاده از روش VAR

متغیرها	ضرایب	آماره t
$AM_{(-1)}$	-۰/۷۸۱۱	-۲/۱۷
$ER_{(-1)}$	۳۹/۳۲۹۶	۲/۰۰۶
$ACPI_{(-1)}$	۱۶۲/۳۰۲۱	۲/۵۹
$GNP_{(-1)}$	-۰/۱۸۲۶	-۱/۵
$INPT$	-۰/۶۳۲۳	-۵/۸۲
ER_t	۲۹/۵۲	۷/۹
T	۳۰۷/۷۳۳۹	۵/۹۶
D_t	۳۶۳۰	۲/۳۳
$D.W = ۱/۱۱$	$\bar{R}^2 = ۰/۹۹$	$R^2 = ۰/۹۹$

نکته قابل ذکر این است که در این معادله به جای نرخ رشد از مقدار سطح متغیرها استفاده کرده‌ایم. با توجه به ضرایب $ER_{(-1)}$ و $ER_{(-1)}$ ملاحظه می‌شود که هر یک واحد تغییرات نرخ ارز موزون موجب حدود ۷۸۰ میلیون ریال تغییر در نقدینگی می‌شود. البته مدل از درجه‌ای از هم خطی میان متغیرهای توضیحی هم برخوردار بود. اما به نظر می‌رسد نتایج،

جدول ۵- عوامل تأثیرگذار بر صادرات غیرنفتی

متغیرها	ضرایب	آماره t
LX(-۱)	۰/۸۰۶	۶/۴۳
LRB(-۱)	۰/۴۱۹	۲/۶۲
LGNP(-۱)	۰/۳۷۸۶	۲/۸۶
INPT	-۲/۷۴	-۲/۴۲
BE _t	-۰/۳۸۶E-۳	-۳
D _t	-۰/۷۱۰۱۵	-۴/۲۶
$R^2 = ۰/۱۹۶$	$\bar{R}^2 = ۰/۱۹۵$	D.W = ۱/۸۶

تقریب خوبی از واقعیت‌های موجود هستند. به خاطر این که تک نرخ‌ی کردن، موجب تغییرات نرخ موزون ارز می‌شود و نرخ رسمی چندان تحت تأثیر قرار نمی‌گیرد، اثر تغییرات نرخ ارز موزون بر تورم را مورد ملاحظه قرار دادیم. در این مورد بسته به اثرات جبرانی و اقدامات احتیاطی دولت مثل مورد تورم، نتایج مربوط به تغییرات نقدینگی هم تغییر خواهد کرد.

اثر تغییرات نرخ ارز بر صادرات غیرنفتی

در چارچوب دانش متعارف اقتصاد، اساساً وقتی نرخ ارز اسمی افزایش یافته و پول ملی تضعیف می‌شود، انتظار می‌رود که صادرات کشور افزایش یابد. اما در کشور ما صادرات، گیرهای اساسی تر دارد. اولاً رقابت‌پذیری و بهره‌وری در اقتصاد پایین است. مشکل بعدی این است که کالاهای صادراتی ما تا حد قابل ملاحظه‌ای ارزبری دارند. مسأله دیگر این که تضعیف پولی ملی اگر چه اثر مستقیم قابل ملاحظه‌ای می‌تواند روی صادرات غیرنفتی داشته باشد اما به خاطر تورمی که به دنبال تغییرات ارزی نتیجه می‌شود صادرکنندگان از ناحیه هزینه‌ها شدیداً تحت فشار و محدودیت قرار می‌گیرند. بنابراین، به نظر می‌رسد که برای رفع مشکل صادرات غیرنفتی به جای این که از متغیرهای قیمتی استفاده شود باید به فکر رقابت‌پذیری و اصلاح ساختار و افزایش کمیت و کیفیت تولیدات باشیم.

ما با استفاده از روش VAR برای توضیح و پیش‌بینی صادرات غیرنفتی متغیرهای نرخ ارز حقیقی، تولید ناخالص ملی، نرخ ارز در بازار آزاد برای سال‌های ۱۳۶۸ به بعد و متغیر مجازی D_t (مربوط به زمان جنگ) را وارد مدل کردیم LX لگاریتم صادرات غیرنفتی، LRB لگاریتم نرخ ارز حقیقی، BE_t و متغیر مجازی D_t است INPT. هم عرض از مبدأ است.

مطابق از ضرایب برآورد شده مدل که در جدول شماره ۵ مشخص است تغییرات نرخ ارز اسمی در سال های ۱۳۶۸ به بعد، به خاطر تحت تأثیر قرار دادن انتظارات و تورم، صادرات غیرنفتی را به طور منفی تحت تأثیر قرار داده اما نرخ ارز حقیقی، صادرات غیرنفتی را به طور مثبت تحت تأثیر قرار داده است.

تغییر مجازی مربوط به سال های جنگ هم صادرات غیرنفتی را در جهت عکس تغییر داده است. نکته قابل ذکر این است که اثر تورم بر صادرات غیرنفتی، به نوعی در نرخ ارز حقیقی دیده شده است. اثر BE بر صادرات غیرنفتی هم تا حدی منعکس کننده اثر تورم بر صادرات است.

در مورد پایایی متغیرهای مدل نیز مشخص شد که پایا نیستند اما با انجام آزمون «دیکی فولر» در مورد جزء خطای معادله مشخص شد که ترکیب خطی متغیرهای فوق الذکر در قالب معادله برآورد شده یک ترکیب پایا است. اساساً تنزل رتبه نسبی کشور در سهم صادرات جهانی هم گویای این است، که عمدتاً به خاطر نبود رقابت پذیری نسبی و نبود تولید کارا با هزینه های پایین و کیفیت خوب در صادرات مشکل داریم و با تغییر صرف نرخ ارز حتی اگر به ماریج هزینه های ارز منتهی نشود و از مسأله وابستگی بخشی از صادرات کشور به واردات هم صرف نظر کنیم نمی توان به جهش صادراتی ناآمل آمد.

نکته مهم دیگر این است که در مورد تأثیر تک نرخی شدن از بر صادرات، باید توجه داشت که نرخ ارز اسمی صادراتی حداقل در کوتاه مدت تغییر نمی کند و تحت تأثیر تک نرخی شدن نیست اما، اگر بر اثر تک نرخی شدن با نرخ ۷۷۰۰ ریال در سال ۱۳۸۱ با تورم ۲۵ الی ۳۰ درصدی مواجه شویم، مسلماً صادرات غیرنفتی را از طریق افزایش هزینه ها (به خاطر تورم) در محدودیت شدید قرار می دهیم و مسلماً این نوع صادرات محدودتر شده و تنزل خواهد کرد.

بنابراین، اگر چه سیاست تک نرخی شدن در شرایط موجود و با به صادرات کمک چندانی نمی کند اما شاید از به علت ایجاد تورم، صادرات مذکور را محدود کند.

اثر تغییرات نرخ ارز بر سرمایه گذاری

سرمایه گذاری، علاوه بر بسترهای مناسب و زمینه های اطمینان بخش تا حد زیادی به سطح درآمد ملی و تغییرات نرخ بهره وابسته است. در اقتصاد ما، نرخ بهره به خاطر شرایط بی ثبات بازارهای مالی و نبود ساختار صحیح در این بازار، تا حدی نقش علامت دهی خود را از دست داده است لذا نرخ ارز در بازار آزاد را به عنوان جانشین نرخ بهره در توضیح رفتار سرمایه گذاری بخش خصوصی به کار گرفته ایم.

لذا به خاطر نقش موانع ساختاری، سیاسی و امنیتی در تغییرات سرمایه گذاری مدل سرمایه گذاری ما تنها با $R^2 = 0.61$ برازش شده است.

جداول شماره ۶ و ۷ نتایج برآورد مدل سرمایه گذاری را ارائه کرده اند. در این جایگاه لگاریتم سرمایه گذاری خصوصی، LBE لگاریتم نرخ ارز در بازار آزاد، LGNP لگاریتم تولید ناخالص ملی، T متغیر روند، BE_t متغیر نرخ ارز در بازار آزاد برای سال های ۱۳۶۸ به بعد است. در برآورد دیگر ما به جای متغیر نرخ ارز در بازار آزاد به عنوان جانشین نرخ بهره در تابع سرمایه گذاری لگاریتم شاخص قیمت ها LCP به عنوان ملاک تورم را وارد مدل کردیم. تأثیر این متغیر بر سرمایه گذاری شبیه تأثیر نرخ ارز بازار آزاد بر آن بوده است. اطلاعات مربوط به ضرایب برآورد شده این مدل نیز در جدول شماره ۷ آورده شده است. همان طور که در جداول مذکور ملاحظه می شود، تغییرات نرخ ارز یا تورم هر دو

جدول ۶- برآورد سرمایه گذاری

متغیرها	ضرایب	آماره t
LX(-۱)	۰/۱۷۳	۱/۰۰۷
LRB(-۱)	-۰/۰۹۳	-۲/۶۲
LGNP(-۱)	۰/۳۷۴	۴/۸۴
T	-۰/۰۴۸	-۴/۴۶۹
BE _t	۰/۵۸۶E-۴	-۱/۴۳۱
$R^2 = ۰/۶۱۷$	$\bar{R}^2 = ۰/۵۶۴۳$	DW = ۱/۷۰۱

جدول ۷- برآورد مدل سرمایه گذاری

متغیرها	ضرایب	آماره T
LI(-۱)	-۰/۱۹۵	۱/۱۴
LCP(-۱)	-۰/۲۱۹	-۲/۰۵
LGNP(-۱)	۰/۳۳۸	۴/۹
T	-۰/۰۲۸	-۲/۳۴۱
BE _t	۰/۱۰۸E-۴	-۰/۲۵۱
$R^2 = ۰/۶۱۶$	$\bar{R}^2 = ۰/۵۶۳۸$	DW = ۱/۶۸

سرمایه گذاری را به طور معکوس تحت تأثیر قرار داده است و این، کاملاً مطابق انتظار است زیرا تغییرات نرخ ارز اولاً ثبات قیمت ها را متزلزل می کند و هزینه ریسک سرمایه گذاری را از طریق بالا بردن وارپانس متغیرها تحت تأثیر قرار می دهد. از طرفی، هزینه های تولید و سرمایه گذاری را بیش از حد تناسب افزایش قیمت محصولات آن ها افزایش می دهد. نتایج فوق بیانگر این نکته است که اگر تغییرات و شوک هایی که در مورد ارز اتفاق می افتد، به طور مستمر ادامه داشته باشد و نتوان با ایجاد بسترهای مناسب و رعایت جوانب احتیاط از وقوع هزینه های آن جلوگیری کرد، این اقدام، سرمایه گذاری و صادرات را به طور منفی تحت تأثیر قرار می دهد. بنابراین، اگر بتوانیم به یک نرخ با ثبات و مقبول ارز دست پیدا کنیم و این نرخ از طریق ایجاد سازوکارهای بازاری ایجاد شود، بسیار خوب است و باید که چنین نظام ارزی متعادلی ایجاد شود. حتی اگر نیاز به بسترسازی ها و برنامه ریزی های پر زحمت داشته باشد. اما اگر می خواهیم هر از چندگاهی، تغییری در بازار ارز ایجاد کنیم و هزینه های مستقیم و غیرمستقیم قابل ملاحظه ای بر ما تحمیل شود و بی ثباتی اقتصادی را تشدید کند باید ضمن توجه به فواید و هزینه ها، اقدامات خود را حساب شده تر طراحی و اجرا کنیم.

جمع بندی

همان طور ملاحظه شد وضعیت جاری ما با هیچ کدام از نظام های ارزی متعارف منطبق نیست، رفتار تجربه شده نرخ ارز در کشور ما نه با نظریه برابری قدرت خرید، نه با نظام های ارزی ثابت و نه با نظام های ارزی شناور مطابقت ندارد بنابراین تک نرخ شدن به دستیابی به رژیم ارزی معین منتهی نمی شود. همچنین ملاحظه کردیم که تک نرخ شدن هزینه های دارد که عمدتاً از مجرای رشد پایه پولی (در صورت نبود اقدامات احتیاطی) بر اقتصاد تحمیل می شود باید مجاری نشر پایه پولی و نقدینگی را مسدود کرد تا هزینه های این کار به کم ترین حد خود برسد.

از طرفی تعدیل نرخ ارز به خودی خود نمی تواند بر متغیرهای اساسی اقتصاد مثل سرمایه گذاری، صادرات غیر نفتی تأثیر مثبت داشته باشد در عین حال که چه بسا تورم و نقدینگی را به طور قابل ملاحظه تحت تأثیر قرار می دهد. بنابراین باید سعی کرد هزینه های این اقدام را به حداقل رساند زیرا اگر با بی احتیاطی هزینه های محتمل این اقدام به اقتصاد تحمیل شود از آن جا که نفع چندانی بر آن مترتب نیست در مجموع اقتصاد دچار آسیب بیش تر می شود.

منابع:

سالنامه‌های آماری، سازمان مدیریت و برنامه ریزی
آمارهای اقتصادی، وزارت اقتصادی و دارایی معاونت امور اقتصادی ۱۳۷۶
آمارهای بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

Harberger, A.C., 'Currency Depreciation, Income and the Balance of Trade', Journal of Political Economy, LV III (February), 1950.

Harkness, J.P., 'Monetary Fiscal Policy and Portfolio Balance under Fixed Exchange Rates', Discussion Paper, No.96, Harvard Institute of Economic Research, 1970.

Stern, Robert M. 'The Balance of Payments'. Theory and economic Policy, University of Michigan, 1973.

